

## منطق پیامدهای مطلوب و نامطلوب برجام

دکتر سید حسین موسویان\*

دیاکو حسینی\*\*

### مقدمه

توافق هسته‌ای که به عنوان برنامه جامع اقدام مشترک که در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ به امضای پنج عضو دائم شورای امنیت به اضافه آلمان از یک طرف و جمهوری اسلامی ایران از طرف دیگر رسید، به منزله نقطه عطفی نه تنها در روابط خارجی ایران و بلکه در زمینه صلح و امنیت جهانی قلمداد شده است. بسیاری از ناظران، دستیابی به توافق هسته‌ای را - که خاتمه‌ای بر بیش از یک دهه بحران با استعداد فراوانی برای شعله‌ور کردن جنگ بزرگ با ابعادی غیر قابل ارزیابی بود - صرف نظر از پیامدهایش، موفقیتی شگفت‌انگیز دانسته‌اند. نمی‌توانیم از بیان این حقیقت چشم‌پوشی کنیم که برجام مشابه هر توافق بین‌المللی دیگر در دنیای آنارشیستیک بین‌المللی که بر کسب مزیت‌های نسبی ملت‌ها متکی است، دربرگیرنده پیامدهای ناخواسته‌ای است که نامطلوب شمرده می‌شوند. با وجود این، استدلال خواهیم کرد که نه تنها پیامدهای نامطلوب ناچیزند، بلکه قضاوت نهایی می‌باید به واسطه سنجیدن و مقایسه تأثیرات بسیار وسیع و سازنده توافق بین‌المللی صورت بگیرد. البته در این فصل، آثار منفی برجام را نیز از نظر دور نخواهیم داشت، اما هر کدام از این آثار را در برابر پیامدهای مطلوب به مقایسه خواهیم کشید و نشان خواهیم داد چرا با وجود برخی نقاط ضعف گریزناپذیر اما غیراساسی، همچنان می‌توانیم شجاعانه از برجام حمایت کنیم. لازم

\* معاون پیشین سیاست خارجی دبیرخانه شورای امنیت ملی، سخن‌گوی پیشین پرونده هسته‌ای ایران و محقق و استاد فعلی دانشگاه پرینستون آمریکا.

\*\* پژوهش‌گر ارشد سیاست خارجی در مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری و دانشجوی دکتری مطالعات آمریکای شمالی، دانشگاه تهران.

است برجام را در مقیاس‌های بزرگتر و ظرفیت‌های بالقوه‌ای مشاهده کنیم که دامنه دید ما را به حداکثر خود می‌گستراند. هدف از اتخاذ این دیدگاه، گریز منطقی از افتادن به دام جزئی‌نگری‌هایی است که تا کنون عمدتاً منبعی برای مجادلات بی‌فایده بوده‌اند تا پرتوافکندن به مسیر آینده.

### منطق پیامدهای نامطلوب در تاریخ

در جهانی که حکومت و قانون واحد جهانی برای اداره توزیع مقادیر محدود منابع میان کشورها وجود ندارد، نه تنها تحصیل مزیت نسبی برای برخی بازیگران متضمن عدم مزیت برای برخی دیگر است، بلکه اغلب تشخیص درست توزیع مزایا مجادله‌آمیز و گمراه‌کننده است. توصیف برجام به معامله برد-برد نباید مانع از اندیشیدن به توزیع مزایای نسبی هر کدام از طرفین شود. «منطق پیامدهای نامطلوب» توضیح می‌دهد چرا هیچ شکلی از قراردادها - اعم از اجبارآمیز یا داوطلبانه - در سیاست بین‌الملل نمی‌تواند فارغ از نقاط ضعف باشد و به علاوه، چرا تشخیص مزیت‌ها دشوار است. منطق پیامدهای نامطلوب چنان قدرتمند است که حتی قطعی‌ترین نتایج از جمله قراردادهای یک‌جانبه بعد از پیروزی‌ها و فتوحات نظامی در پی شکست دادن دشمنان نیز نمی‌تواند واجد مزایای مطلق برای کشور فاتح قلمداد شود.

در چنین مواردی، بازیگر فاتح که توانسته با در هم شکستن قوای نظامی دشمن، کنترل سرزمین‌های فتح‌شده را به دست گیرد، بلافاصله باید با مشکلات بیشتری مانند شورش‌های محلی، نارضایتی از توزیع ثروت و امنیت و همچنین اختصاص نیروهای نظامی به منظور کنترل سرزمین‌های به دست آمده که هزینه‌های مادی را تلف می‌کند، مواجه شود و بدتر از آن، احتمالاً هراس کشورهای دیگری را برخواهد انگیخت که خود را در معرض گسترش طلبی‌های بعدی قدرت فاتح می‌بیند (Franzese & Hiscox, 1995). در این صورت، نه تنها ائتلاف‌ها و اتحادهای ضد هژمونیک به کار خواهند افتاد، بلکه انگیزه جنگ‌های پیش‌دستانه علیه و به زیان قدرت فاتح به شدت تقویت می‌شوند. شواهد تاریخی از این ادعا حمایت نمی‌کند که قدرت‌های بزرگ می‌توانند از منطق پیامدهای نامطلوب در امان باشند. پیروزی قاطع متفقین در جنگ دوم جهانی، در نگاه اول به برتری بلامنازع ایالات متحده و توانا کردن آن در شکل دادن به سازمان‌های سیاسی و اقتصادی جهانی که هدایت ثروت و امنیت در سرتاسر جهان را بر عهده داشت، انجامید؛ اما منتقدان برجسته‌تر که آماده مشاهده آثار نامطلوب و از قلم افتاده بودند، هشدار داده‌اند که پیروزی ایالات متحده در برابر فاشیسم و کمونیسم، تأثیری ویرانگر بر زمین‌گیر کردن آمریکا در موازنه قوای اوراسیایی و صرف منابع غیرضروری برای اداره مسائلی در این ابرقاره بود که برای امنیت و منافع جهانی آمریکا حیاتی نیست (Layne, 2007: 51-71). تأسیس نهادهای چندجانبه مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل متحد، هرچند به مثابه ابزاری مؤثر برای ترویج نظم جهانی آمریکایی نگریسته می‌شد، اما در عمل این امکان را برای سایر رقبای آمریکا فراهم کرد که بدون صرف هزینه‌های

زائد، پلکان هرم نظام جهانی را با هدف نزدیک‌تر شدن به منزلت ایالات متحده طی کنند. امروز تعداد بیشتری در ایالات متحده تردید دارند که سازمان ملل، فلسفه تجارت آزاد و تشویق به دموکراسی، خادم منافع جهانی ایالات متحده باشند (Snyder, 2000; Snyder & Mansfield, 2007). در دوران جدیدتر، چیرگی ایالات متحده بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نه تنها به تملک تاج و تخت جهانی از سوی آمریکا کمکی نکرد، بلکه با آزاد کردن نیروهای مرکزگرای سرکوب‌شده توسط ایدئولوژی‌های کمونیسم در ترکیبی مرگبار با قوای جهانی‌شدن‌های ارتباطی و مالی، نطفه هرج و مرجی را پرورش داد که تا به امروز ایالات متحده را مقهور خود کرده است. ایالات متحده در رنج‌بردن از معمای پیروزی / شکست تنها نیست. بریتانیای کبیر، فرمان‌روای یک چهارم از خشکی‌های جهان تا ۱۹۳۰، تنها پیش‌برنده تجارت آزاد، لیبرالیسم و ملی‌گرایی در دوران خود به حساب می‌آمد، اما تنها با گذشته کمتر از نیم قرن، زمانی که مستعمرات بریتانیا یکی پس از دیگری با تکیه بر ملی‌گرایی، حقوق بشر و حق برخورداری از آزادی و برابری، استعمارگران را به زانو درآوردند، امپراتوری بریتانیای کبیر به واسطه همان میراث مادی و معنوی به زانو درآمد که خود بر جای گذاشته بود (Brendon, 2010). تأمل کمتری درباره گسترش طلبی‌های موفقیت‌آمیز روسیه که با تحمیل قراردادهای یکجانبه و زورگویانه بر خانات آسیای مرکزی و سرزمین‌های اروپای خاوری پیش رفت، آشکار می‌کند که این گسترش عمدتاً به زیان منافع بلندمدت روسیه بود تا خدمت آن؛ به طوری که نه تنها تنوع قومی و نژادی روسیه، ناسیونالیسم وحدت‌بخش روسی را از پا انداخت و متأثر از گستره حیرت‌آور آن شیوه مدیریت خودکامه و غیردموکراتیک در این کشور جا افتاد، بلکه با ورود به جهان اسلام، جابه‌جایی‌های جمعیتی و ترسیم مرزهای مصنوعی در قفقاز و ترکستان بزرگ، بذر کشمکش‌های امنیتی، گروه‌های شورشی، منازعات محلی، استقلال‌خواهی و جدایی‌طلبی را از همان ابتدا در دل روسیه قرار داد (حسینی، ۱۳۸۹). اگر در امور نظامی و فتوحات به‌ظاهر قاطعانه که می‌باید سرشار از توزیع مزایای ناعادلانه باشد تا این اندازه مرز شکست و پیروزی نامعلوم باشد، توافقات سیاسی به مراتب گیج‌کننده‌تر خواهد بود. مشهورترین موافقتنامه دوجانبه یا چندجانبه میان ملت‌ها از موافقتنامه‌های کنترل تسلیحات میان روسیه و ایالات متحده گرفته، «موافقتنامه دیتون» در خاتمه‌دادن به یکی از خونین‌ترین جنگ‌های بالکان تا «پیمان ماستریخت» در حیات‌دادن به اتحادیه اروپا، «پیمان کیوتو» در کاهش تولید دی‌اکسید کربن در سطح جهانی و حتی «پیمان بروکسل» به عنوان سنگ بنای تشکیل ناتو، چنان مناقشه‌برانگیز بوده‌اند که همچنان محل منازعات سیاسی و کلامی میان حامیان و آن دسته از افرادی است که تصور می‌کنند این توافقات عمدتاً زیان‌بار بوده‌اند تا سودمند به منافع کشورها.

تا بدین جا، سعی در بازنمایی این حقیقت داشتیم که اولاً، هیچ قرارداد بین‌المللی حتی برای بازیگران قوی‌تر مصون از نارسایی در تحقق مطالباتی نیست که در حین مذاکرات یا ضمن پیروزی در جنگ انتظار دستیابی به آن را داشته‌اند. ثانیاً، ارزیابی توافقات بین‌المللی همواره باید با احتیاط نسبت به تشخیص

آنچه توزیع مزیت‌ها و یا بده بستان امتیازات نامیده می‌شود، همراه باشد؛ چون همان‌طور که در مثال‌های بالا نشان دادیم، ممکن است آنچه در کوتاه‌مدت برای یک کشور سودمند دانسته شده، در بلندمدت برای همان کشور آثار زیان‌بار بیشتری به بار آورد و بالعکس. معنای مستتر در این مسئله، اهمیت دادن به «مدیریت مزیت‌ها»<sup>۱</sup> حتی پس از عقد موافقتنامه‌های بین‌المللی است. در این برداشت، هنر دیپلماسی نه تنها رسیدن به عالی‌ترین صورت توافق برای حل اختلاف‌های بین‌المللی، بلکه در طول زمان و پس از عقد توافق، هدایت مزایای حاصل از توافق از طریق تبدیل کردن مزیت‌ها به مزیت‌های مطلوب است. ما امیدواریم درس‌های تاریخی در این رابطه، بتواند چشم‌اندازی را که باید جمهوری اسلامی ایران به منزله یکی از طرف‌های برجام مد نظر داشته باشد، روشن کند. پیمان امنیتی ژاپن و ایالات متحده که با هدف تثبیت تسلط و اشنگتن بر موضوعات و ساختار دفاعی ژاپن طراحی شده بود، به تعهدی یکجانبه از سوی ایالات متحده و فرصتی برای ژاپن برای تمرکز بر نوسازی اقتصادی و پیشی گرفتن در حوزه‌هایی از تکنولوژی عالی از آمریکا منجر شد. به همین ترتیب، هدف سازمان تجارت جهانی که بازکردن درهای بازارهای جهانی به سرمایه و محصولات آمریکایی بود، در عمل، مقدمات شتاب‌دادن به توسعه اقتصادی چین و پیش‌افتادن از ایالات متحده را فراهم آورد. ژاپن و چین آگاهانه عدم مزیت‌ها را به مزایایی تبدیل کردند که در سرآغاز توافقات مزبور مقرر نشده بود. در ادامه این پویایی‌ها، زمانی که ایالات متحده خارج از مقررات توافق‌شده، ژاپن را تشویق به بر عهده گرفتن مسئولیت‌های دفاعی کرد و همچنین، با تحت فشار گذاشتن چین خواستار افزایش ارزش یوان شد، در واقع تلاشی را سامان داد که روند تبدیل شدن عدم مزیت‌ها به مزیت برای کشورهای مزبور را متوقف کند. در یک دورنما به نظر می‌رسد توافقات بین‌المللی تا سال‌ها بعد محملی برای کوشش‌هایی هستند که سعی در بازتوزیع مداوم مزایا دارند.

### آیا پیامدهای نامطلوب مهمی در مورد برجام وجود دارد؟

پیش از توجه به پیامدهای نامطلوب و ناخواسته برجام، ضروری است نشان دهیم چرا منتقدان برجام که تا کنون به موضوعات فنی متقابل از جمله نحوه برچیدن تحریم‌ها از یک سو و محدودیت‌های اعمال‌شده بر فعالیت‌های هسته‌ای از سوی دیگر و همچنین ایجاد توازن گام به گام در انجام هرکدام از آن‌ها تمرکز داشته‌اند، اشتباه می‌کنند و همین‌طور اینکه چرا با تکیه کردن به این انتقادهای ضعیف، پیامدهای نامطلوب مهم‌تر را از دست می‌دهند. این دسته از منتقدان توجه ندارند که آنچه به عنوان خسران جمهوری اسلامی در برجام به میان می‌کشند، از سوی منتقدان تندرو آمریکایی نیز به عنوان نقاط ضعف توافق هسته‌ای برای ایالات متحده نام برده می‌شود. از دیدگاه منتقدان آمریکایی، مطابق با برجام، تأسیسات غنی‌سازی ایران به کار خود ادامه خواهد داد، جمهوری اسلامی ایران همچنان به تحقیق و توسعه به منظور تولید سانتریفیوژهای

نسل جدید ادامه خواهد داد و در پایان ۱۵ الی ۲۵ سال و خاتمه بخش مهمی از تعهدات، می‌تواند این تکنولوژی‌های نوین را برای ارتقای صنعت هسته‌ای به کار گیرد. به همین ترتیب، توافق هسته‌ای، ایران را به منزله کشوری در آستانه هسته‌ای به رسمیت می‌شناسد. اصل چالش در مورد غنی‌سازی بود که نهایتاً با برجام، ایران بر قدرت‌های جهانی غالب شد و این حق را تثبیت کرد و به آن‌ها قبولاند. در مورد نوع ساتتریفیوژها و چیدمان و زمان قیدشده در برجام باید گفت ایران اساساً مایل نبود صنعت غنی‌سازی‌اش بر اساس نسل اول ساتتریفیوژها باشد، زیرا کاملاً غیراقتصادی و بر مبنای تکنولوژی ۶۰ سال پیش بود. در قالب برجام قدرت‌های جهانی پذیرفتند که ایران با نسل جدید پیشرفته ساتتریفیوژ غنی‌سازی کند که اقتصادی است. در هر صورت، با برجام یا بدون برجام، ایران به چندین سال زمان احتیاج داشت و دارد تا کار تحقیق و توسعه ساتتریفیوژها را به نتیجه رسانده و به تولید صنعتی برساند. از این رو، زمان چندساله نیاز محرز ایران برای غنی‌سازی با نسل جدید ساتتریفیوژها بود و هست.

تحریم‌های ایران برداشته شده و تهران مجوز فروش نفت را بار دیگر به دست آورد و فروش نفت ایران عملاً ظرف چند ماه دو برابر شد و به سطح قبل از تحریم‌ها رسید. بن‌بست تبادلات بانکی و سوئیفت شکست و روابط بانکی ایران با صدها بانک باز شد. اکنون، انتقادات در این مورد به تحریم‌های غیرهسته‌ای یکجانبه آمریکا برمی‌گردد. در دوران هشت سال تحریم، بانک‌هایی جهانی بزرگی توسط آمریکا به ده‌ها میلیارد دلار خسارت محکوم شده‌اند و از این رو، بانک‌های بزرگ برای عادی‌سازی کامل روابط بانکی نگرانند. این هم موضوعی است که نیازمند زمان است و به تدریج هم در مسیر حل شدن است و نمونه آن اعلامیه اخیر وزارت خزانه‌داری آمریکا در مورد مجوز مبادلات دلاری خارج از مؤسسات مالی آمریکا بود. ایران به خاطر برجام توانسته به ده‌ها میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه‌شده خود دست یابد. در عین حال، منتقدین نسبت به کندبودن سرعت دسترسی ایران به دارایی‌های بلوکه‌شده انتقاد دارند. اینکه ایران یک‌شبه بعد از برجام بتواند به کل دارایی‌ها در کل کشورهای جهان دسترسی پیدا کند، ایده‌آل است، اما واقع‌بینانه نیست. همین که تهران توانست ظرف چند ماه با کشورهای مهم طرف معامله راه کارهای رفع موانع را برطرف و به ده‌ها میلیارد دلار دسترسی عملی پیدا کند، خود موفقیتی بزرگ است. به همین دلیل هم مخالفین جهانی برجام در این مورد به شدت خشمگین شده‌اند. این افراد معتقدند چون قسمت قابل توجهی از تعهدات ایران در مدت زمان نسبتاً کوتاهی به پایان خواهد رسید و محدودیت‌ها بر فعالیت‌های اتمی ایران برچیده خواهد شد، ایالات متحده با در هم پاشیدن رژیم تحریم‌ها، در عمل خود را در موقعیت بدتری در سال‌های آینده قرار داده است. نفس اینکه منتقدان ایرانی و آمریکایی برجام معتقدند طرف مقابل برنده کامل بوده، نمی‌تواند نشان‌دهنده امری غیر از این باشد که برجام توافق متوازن و حداکثری است که هر یک از دو طرف می‌توانستند به دست بیاورند. در برداشت منصفانه‌تر، تعهدات جمهوری اسلامی ایران در شفاف‌کردن فعالیت‌های هسته‌ای به اندازه‌ای که بتواند غرب را «فقط تا حدی» نسبت به عدم امکان انحراف ایران به

فعالیت‌های نظامی اطمینان دهد، کافی است. دامنه بازرسی‌ها یکی از محورهای اصلی نگرانی‌ها و به عنوان یکی از عناصر نامطلوب برجام مطرح است. واقعیت این است که در قالب برجام، ایران پروتکل الحاقی را پذیرفت که اجازه بازرسی‌های گسترده‌تر از پادمان را به آژانس می‌دهد و از این رو، اطلاعات بیشتری از برنامه و توان هسته‌ای ایران در اختیار آژانس قرار می‌گیرد؛ اما درک این واقعیت هم مهم است که ایران در دوران همه مذاکره‌کنندگان هسته‌ای از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴، اجازه بازرسی به آژانس را در چارچوب مقررات آژانس داد. ثانیاً همه کشورهای که به توان‌مندی غنی‌سازی رسیده‌اند، بازرسی در چارچوب مقررات پروتکل الحاقی را پذیرفته‌اند و سوم اینکه حدود دو سوم کشورهای جهان هم پروتکل را اجرا می‌کنند.

همچنین، تعهدات ۵+۱ به ایران و سازوکار طراحی شده برای جلوگیری از تخلف در انجام تعهدات به اندازه‌ای قابل اعتماد است که می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را «فقط تا حدی» نسبت به پای‌بندی این قدرت‌های بزرگ به تعهدات اطمینان دهد. به علاوه، با در نظر گرفتن بازه زمانی محدود در این توافق، هیچ گامی برگشت‌ناپذیر نیست. طرفین می‌باید بکوشند اراده سیاسی برای عمل کردن بر اساس متن برجام را به طور دائم آزمایش کنند. ما فکر نمی‌کنیم که انتقادات فنی، مهم‌تر از انتقادات نسبت به پیامدهای ناخواسته‌ای باشد که در لایه‌های عمیق‌تر به کار افتاده‌اند و به مراتب بر امنیت بین‌الملل تأثیرگذارترند.

ادعای موفقیت‌آمیز بودن تحریم در دستیابی به اهداف سیاسی توسط مطالعه جامع و مشهوری از رابرت پیپ<sup>۱</sup> و مقاله او با عنوان «چرا تحریم‌های اقتصادی هنوز کار نمی‌کند؟» در ۱۹۹۷ به چالش خوانده شد. او با مطالعه دوره ۱۹۳۳ تا ۱۹۹۰ نشان داد تنها ۵ درصد از تحریم‌های اعمال شده با موفقیت در نائل شدن به اهداف همراه بوده‌اند (Pape, 1998: 66-77). تحقیقات بعدی هرگز به این توافق نرسیدند که آیا تحریم‌های اقتصادی نتایج قطعی در تغییر رفتار بازیگران دارد یا خیر، اما همچنین توافقی در این رابطه نیز به وجود نیامد که آیا سیاست تحریم در قلب سیاست‌گذاری‌های قدرت‌های بزرگ قرار بگیرد یا نه (Drezner, 1999). با به ثمر نشستن مذاکرات هسته‌ای و پیش از آن، پیروزی حسن روحانی در انتخابات خرداد ۹۲، گمانه‌زنی‌هایی در جامعه نخبگان و اشننگتن در این باره آغاز شد که تحریم‌های بین‌المللی، مهم‌ترین عامل در نرمش ایران و پذیرفتن محدودیت‌هایی بر فعالیت‌های هسته‌ای آن بود (Sciutto, 2013; Seher, 2013). جک لو، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده مکرراً و در نوبت دیگر گفت: «تحریم‌های اقتصادی به نیروی قدرتمند در خدمت هماهنگی اهداف سیاست خارجی تبدیل شده؛ قدرت هوشمندی که در شرایطی به کار می‌آید که دیپلماسی کافی نیست، اما نیروی نظامی نیز پاسخ صحیحی محسوب نمی‌شود... به منظور برداشتن تحریم‌ها بود که ایران مجبور شد توافق جامع هسته‌ای را بپذیرد» (Welna, 2016). وجود این استنباط که جمهوری اسلامی ایران نتوانسته آن را تغییر دهد، نه تنها خطوط راهنمایی را برای آینده ابزارهای آمریکای در تنظیم روابط با ایران ترسیم می‌کند، بلکه به طور گسترده‌تری امیدواری به کارآمدی تحریم به منزله اهرم فشاری در جهت

1. Robert Pape

تغییر رفتار دولت‌ها را تحسین می‌کند. از این رو، یکی از عناصر نامطلوب می‌تواند در نظر گرفته شود. تصور موفقیت‌آمیز بودن تحریم‌ها در کشاندن ایران به پای میز مذاکره، تندروهای آمریکایی را به این اعتقاد رسانده که واشنگتن باید برای وادار کردن ایران به تغییر سیاست‌ها پیرامون موضوعاتی مانند فعالیت‌های موشکی، حقوق بشر و آنچه حمایت از تروریسم نامیده می‌شود نیز سیاست تحریم را تداوم و شدت ببخشد (Dubowitz, 2016). بر خلاف انتظارات اولیه، برجام نه تنها به تسکین دادن رقابت‌های منطقه‌ای نیانجامید، بلکه کشمکش‌ها میان ایران و رقبای منطقه‌ای را شدت داد. به استثنای اسرائیل، سایر کشورها و از جمله عربستان سعودی به استقبال از توافق مزبور برخاستند. با این وجود و گذشته از موضع‌گیری‌های رسمی، نیات و برداشت‌های ناگفته و مکتوم روایتی دیگر را بازگو می‌کند و شواهد در طی یک سال پس از انعقاد برجام، نشان‌دهنده پیامدهای نامطلوبی است که نارضایتی شماری از کشورهای منطقه و رقیب با ایران در ایجاد آن نقش بنیادین داشت. توافق هسته‌ای به دلایل ساده‌ای پویایی‌های بی‌ثبات‌کننده را تقویت کرد:

اول؛ طبق توافق، زیرساخت فعالیت‌های هسته‌ای ایران برچیده نمی‌شود. پس آن دسته از رقبای منطقه‌ای که نگران دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای هستند، باید از احتمال تقلب ایران، عقب‌نشستن از توافق و کاهش دادن زمان گریز هسته‌ای نگران باشند. چون با خاتمه یافتن عمر برجام، بخش عمده‌ای از محدودیت‌ها بر فعالیت‌های اتمی ایران و همچنین نظارت‌های بین‌المللی برچیده خواهد شد، از دیدگاه همسایگان، ایران خواهد توانست در مدت زمان کوتاهی مقدمات فنی دستیابی به سلاح هسته‌ای را فراهم کند. تا هنگامی که این کشورها نسبت به نیات هژمونیک ایران تردید دارند، نمی‌توانند نسبت به پیامدهای دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بی‌تفاوت باشند؛ هرچند این احتمال به تأخیر افتاده باشد.

دوم؛ در صورتی که ایالات متحده می‌توانست به منزله متحدی قابل اتکا برای بازیگران ضعیف‌تر در کنار این کشورها در برابر ایران اتمی بایستد، هراس این کشورها از احتمال دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای به مراتب کاهش می‌یافت، اما از منظر این کشورها، توافق هسته‌ای نشان داد ایالات متحده با نادیده گرفتن این درخواست که ایران تمامی فعالیت‌های هسته‌ای خود را متوقف کند، در عمل تمایل خود را به مصالحه با ایران به بهای اغماض نسبت به درخواست‌های متحدانش نشان داده است. این عقیده شایع در کشورهای خاورمیانه‌ای که چین، ایالات متحده را به عنوان ابرقدرت پشت سر گذاشته یا خواهد گذاشت، به تزل و جهه و اتکاپذیری ایالات متحده از منظر این کشورها در سال‌های اخیر یاری رسانده است. مباحث گسترده در جامعه آمریکا مبنی بر تغییر محور ژئواستراتژیک از خاورمیانه به شمال شرق آسیا که به معروف‌ترین قسمت دکترین اوباما مبدل شد، در شکل‌گیری این ابهامات نقش مؤثری داشت. استقلال فزاینده ایالات متحده از واردات انرژی خلیج فارس و همین‌طور این اتهام که واشنگتن با شروع بهار عرب و عدم پشتیبانی از حسنی مبارک، ظرفیت خود را برای تنها گذاشتن متحدانش نشان داد، اتکاپذیری ایالات متحده را در نگاه کشورهای عرب به حداقل خود رساند. این در شرایطی است

که کشورهای عربی با آغاز انقلاب‌ها در جهان عرب به این نتیجه رسیده‌اند که جمهوری اسلامی ایران نه تنها سرنگونی رژیم‌های کهنه را دستاویزی برای استقرار حکومت‌های طرفدار خود قرار داده، بلکه از این فرصت برای گستراندن میدان فعالیت گروه‌های شبه‌نظامی شیعی بهره گرفته است. در این صورت، رقبای ایران باید این ملاحظه را در نظر داشته باشند که در صورت دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بعد از اتمام دوره توافق یا عقب‌نشینی پیش از موعد ایران از تعهداتش، چگونه بدون مساعدت استراتژیک ایالات متحده، بازدارندگی ضروری را به منظور جلوگیری از چیرگی یافتن ایران در خلیج فارس و آسیای غربی ایجاد کنند. این هراس، مشوق بسیاری از رفتارهای سراسیمه‌گونه از سوی کشورهای عربی است که باید به نحوی از جمله تشکیل ائتلاف‌های ضد ایرانی حتی به بهای تجمیع قوای نظامی با اسرائیل، خریدهای دیوانه‌وار تسلیحاتی و در صورت نیاز، تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای با احتمال تحقق سناریوی هژمونی منطقه‌ای ایران مقابله کنند.

سوم؛ از نظر عربستان سعودی و کمتر از آن، مصر، ترکیه و قطر، دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن رقابت این قدرت‌ها برای به دست گرفتن رهبری جهان اسلام و در زبان ژئوپولیتیک، هارتلند قدرت‌های اسلامی در آسیا و آفریقا، سنجیده شود. قرارگرفتن ایران در آستانه تولید سلاح هسته‌ای و موفقیت آن در مذاکرات چندجانبه با قدرت‌های بزرگ، توانسته ایران را به عنوان قدرت شایسته رهبری جهان اسلام و در شرایطی قرار دهد که غرب تلویحاً نقش آن را به عنوان بازی‌ساز و برهم‌زننده بازی در مساحت پهناوری از لبنان تا یمن پذیرفته است. در این صورت، نه تنها کشورهای اسلامی در جستجوی الگوی الهام‌بخش، بلکه قدرت‌های غربی که به دنبال یافتن متحدی پایدار و قدرتمندی هستند که بتواند دریای طوفانی و آشفته جهان اسلام را آرام کند، احتمالاً خواهند پذیرفت که جمهوری اسلامی ایران - در دشمنی مشترک با اسلام‌گرایی سلفی - گزینه مناسب‌تری برای پایه‌ریزی مشارکت‌های استراتژیک با قدرت‌های غربی است تا متحدان متزلزل و مایوس‌کننده سنتی آن‌ها در جهان اسلام (Barnaby, 1989; Davenport, 2015).

چهارم؛ رهاسدن ایران از قید تحریم‌ها و فشارهای سیاسی بین‌المللی که با آزادشدن ۱۰۰ میلیارد دلار دارایی ایران در سراسر جهان شناخته می‌شود، آن‌ها را نسبت به گام‌هایی که ایران می‌تواند با اعتماد به نفس بالاتر و طیب خاطر بیشتر در خیابان‌های کشورهای عربی بردارد، بیشتر از گذشته ترسانده است. عادل الجبیر وزیر امور خارجه عربستان در گفتگو با شبکه ND TV در ژانویه ۲۰۱۶ گفت که «بیشتر کشورهای جهان از اینکه ایران پول‌های آزادشده را به جای بهبود استانداردهای زندگی مردم برای اقدامات مخرب استفاده کند، نگرانند (Ruters, January 2016). به علاوه، وجود این احتمال آزاددهنده که معامله هسته‌ای با ایران شاید در بردارنده معامله بزرگتری به زیان جهان عرب باشد، رهبران به ویژه عربستان سعودی را مضطرب کرده است. عبدالرحمن راشد نویسنده پان‌عرب در نشریه الشرق الاوسط با اشاره به این تئوری می‌نویسد: «بسیاری از افرادی که با آن‌ها صحبت کرده‌ام، تمایل به این اعتقاد دارند که ایران برنامه‌های



هسته‌ای خود را در ازای پذیرش غرب نسبت به برداشتن محدودیت‌هایی بر فعالیت‌های سنتی نظامی در منطقه [به ایران]، واگذار کرده است» (Raymond, 2015). نظرسنجی الجزیره در ژانویه ۲۰۱۶ نشان داد اکثریت ۷۰ درصدی نخبگان عرب «زیاد» یا «تا حدی» نسبت به نزدیکی ایران و آمریکا و آثار آن بر هژمونی منطقه‌ای ایران نگرانند (Aljazeera, January 2016).

در نهایت، نارضایتی رقبای منطقه‌ای ایران از برجام و متعاقباً تشدید تنش در روابط منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از پیامدهای نامطلوب برجام مطرح است و واقعیتی است که قابل انکار نیست؛ اما در این زمینه چند واقعیت غیرقابل انکار دیگر هم وجود دارد:

اول اینکه، رقبای منطقه‌ای ایران قبل از برجام دشمنی با جمهوری اسلامی را افزایش داده و مکرر آمریکا را برای حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران تحت فشار قرار داده بودند. اسناد ویکی لیکس نشان می‌دهد بعد از روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد از سال ۱۳۸۴ به بعد، عربستان و برخی دیگر از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس از آمریکا خواسته‌اند به ایران حمله نظامی کند.

دوم اینکه، گزینه حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران، سال‌ها قبل از برجام روی میز واشنگتن و تل‌آویو بود.

سوم اینکه، با برجام توان‌مندی غنی‌سازی و آب‌سنگین ایران به رسمیت شناخته شد. این حادثه از دیدی که در بالا تشریح شد، دارای پیامد نامطلوب در روابط با کشورهای منطقه است؛ اما با دیدی کلان‌تر، این توان‌مندی، به عنوان عامل بازدارنده بسیار مهم و تعیین‌کننده در پیش‌گیری از حمله نظامی به ایران، موجب ارتقاء امنیت ملی ایران و عامل ثبات و امنیت کشور شد که خود پیامد مطلوب و تعیین‌کننده مهمی در معادلات قدرت در منطقه به نفع ایران است، هرچند مطلوب برخی از همسایگان هم نباشد.

طبق باور ساده‌انگانه اما شایع، دستیابی به توافق هسته‌ای به از میان رفتن خطر اشاعه تسلیحات هسته‌ای خواهد انجامید (Einhorn & Nephew, 2016). این امیدواری در کانون بیش از یک دهه کوشش‌هایی بود که قصد داشت ایران را در فاصله ایمنی از مرزهای دستیابی به تسلیحات اتمی نگاه دارد. در توافقی که مطابق آن، تأسیسات زیربنایی فعالیت‌های هسته‌ای ایران برچیده نمی‌شود و میزان اطمینان به دور ماندن ایران از این‌گونه تسلیحات به ابزارهای خطاپذیر و بالطبع قابل برگشت نظارت و کنترل محدود می‌شود، کشورهای رقیب ایران و در رأس آن‌ها عربستان سعودی، نمی‌توانند با اعتماد کردن به باثربودن این نظارت‌ها و همچنین، اراده تهران به پای‌بندی در توافق هسته‌ای، احتمال دستیابی ایران به تسلیحات اتمی را نادیده بگیرند. از دیدگاه این کشورها، در شرایطی که ایالات متحده با عقب‌نشستن از درخواست برچیده‌شدن کامل تأسیسات هسته‌ای، به اعمال محدودیت‌هایی بر این فعالیت‌ها اکتفا کرده، کشورهای دیگری که از مجهز شدن ایران به تسلیحات هسته‌ای نگرانند، چاره‌ای جز خوداتکایی در کسب برابری در وضعیت آستانه هسته‌ای با ایران ندارند. دست کم این همان نتیجه‌ای

است که شماری از بدبین‌ترین ناظران و تحلیل‌گران جهان عرب به رهبران‌شان توصیه می‌کنند. از آنجایی که اغلب رقبای منطقه‌ای ایران فاقد زیرساخت‌های علمی و فنی لازم برای قرارگرفتن در سطح برابر با صنعت هسته‌ای ایران هستند، ممکن است تسهیل مجاری دستیابی به تسلیحات هسته‌ای از بازارهای سیاه به مراتب گزینه خردمندانه‌تری محسوب شود. شواهدی از این دیدگاه حمایت می‌کند که رسیدن به چنین مرحله‌ای از تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای، احتمالاً تا خاتمه توافق هسته‌ای یا عقب‌نشینی آشکار ایران از تعهدات خود به تعویق نخواهد افتاد. رهبران کشورهای رقیب ایران بیش از هر چیز به وقوع آن شکلی از تقرب ایران که از چشم ناظران بین‌المللی به دور می‌ماند، مظنون هستند؛ در حالی که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند کنترل کاملی بر سیر برسازی اطلاعاتی داشته باشد که این بدگمانی را تقویت می‌کند. تنها یک سال بعد از اجرایی‌شدن برجام، وال استریت ژورنال در گفتگو با دو مأمور سرویس اطلاعاتی آلمان ادعا کرد آژانس انرژی اتمی ایران کوشیده مخفیانه به موادی دست یابد که در فعالیت‌های تولید تسلیحات کاربرد دارد (Stephens, 2016). هم‌زمان، «مؤسسه علوم و امنیت بین‌المللی» در گزارشی تکرار کرد: «بی‌توجه به نیات ایران در جستجو برای به دست آوردن فیبر کربن، تدارک چندین تن از این ماده به ایران اجازه خواهد داد سانتریفیوژهایی را تولید کند که در کوتاه‌مدت منجر به نقض برجام می‌شود» (Albright & Stricker, 2016).

از آنجایی که اشتیاق فراوانی در به شکست کشاندن برجام از طریق مقصر جلوه‌دادن جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، باید انتظار داشته باشیم در سال‌های آینده شمار بیشتری از این قبیل اتهامات تثار ایران شود. رقبای منطقه‌ای ایران در حالی که نمی‌توانند اطلاعات دقیق‌تری نسبت به صحت پای‌بندی ایران به برجام اطمینان کسب کنند، بیش از گذشته وسوسه خواهند شد که به توان‌بازدارندگی کافی یا هر آنچه برای اجتناب از غافل‌گیری و برهم خوردن «موازنه حیثیت» نیاز دارند، دست یابند.

ضمن اینکه این مطلب نیز به عنوان پیامد منفی می‌تواند مطرح شود، اما واقعیت این است که برجام از نظر زمانی در مقطعی رخ داد که رقبای منطقه‌ای ایران با بحران‌های کلان‌تری دست و پنجه نرم می‌کنند که امکان دسترسی به توان‌مندی هسته‌ای مشابه ایران را ندارند. عربستان در بحران یمن زمین‌گیر شده و انتقادات جهانی در مورد حمایت این کشور از تروریسم تکفیری به حدی اوج گرفته که فروش سلاح‌های متعارف به عربستان هم زیر سؤال رفته است. تلاش‌های عربستان برای ساقط کردن دولت‌های سوریه و عراق به شکست رسیده و جریان افراط‌گرای داعشی هم خلافت رهبران عربی را نامشروع خوانده است. ترکیه و مصر هم در حال دست و پنجه نرم کردن با بحران‌های بی‌سابقه داخلی هستند، به گونه‌ای که کارشناسان معتقدند مصر ۱۰ سال نیاز دارد تا به شرایط داخلی عادی برگردد. علاوه بر این‌ها، بروز اختلاف‌های بی‌سابقه بین رقبای منطقه‌ای ایران را نیز نمی‌توان نادیده گرفت که یک نمونه آن اختلاف شدید مصر و عربستان در مورد بشار اسد و بحران سوریه است.

## پیامدهای مطلوب برجام

به رغم وجود شبهاتی در مورد امکان برخی از پیامدهای نامطلوب برجام، این توافق تاریخی شامل جنبه‌های سازنده‌ای است که باعث می‌شود همچنان شهادت دفاع از آن را داشته باشیم. در مطالعه آثار مطلوب برجام، ۲۰ مورد زیر نشان می‌دهد چرا برجام در سطح گسترده‌ای تحسین شده است:

۱. اولین اثر مهم بین‌المللی برای ایران، خروج از فصل هفت منشور سازمان ملل بود. طی چند قطعنامه‌ای که در دوران دولت قبل به تصویب شورای امنیت سازمان ملل رسید، برنامه هسته‌ای ایران به عنوان تهدید صلح و امنیت جهانی به رسمیت شناخته شد. طبق بندهای ۳۹، ۴۰ و ۴۱ فصل هفت منشور، تحریم‌های ظالمانه جهانی علیه ایران اعمال و صدها میلیارد دلار خسارت به ملت ایران تحمیل شد. این مصوبه مهم‌ترین موفقیت بین‌المللی استکبار و صهیونیسم علیه ایران و بدترین ضربه به اعتبار و حیثیت بین‌المللی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بود، زیرا عالی‌ترین مرجع سیاسی - امنیتی جهان، یعنی شورای امنیت سازمان ملل ایران را به عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌الملل به رسمیت شناخت. برجام در گام اول فصل هفت منشور در مورد ایران را به تعلیق درآورد تا با اجرای برجام، خروج کامل ایران از این فصل محقق شود.

۲. جامعه جهانی هنوز با آثار مخرب دو تجاوز نظامی آمریکا به افغانستان و عراق دست و پنجه نرم می‌کند؛ ضمن اینکه سال‌هاست منطقه در آتش عواقب این دو حمله نظامی می‌سوزد که تروریسم افسارگسیخته تکفیری یکی از این عواقب است. جناح جنگ طلب آمریکا با فشار سهمگین صهیونیست‌ها و اعراب معاند ایران، فرصتی طلایی برای حمله نظامی به ایران یافته بودند. اجماع جهانی برای کشاندن پرونده به شورای امنیت و اعمال تحریم‌ها حاصل شده بود و ماده ۴۲ فصل هفت منشور سازمان ملل نیز به حمله نظامی به ایران هم مشروعیت می‌بخشید. شعارهای افراطی از تهران، آتش تهیه دشمن را تغذیه می‌کرد و افکار عمومی آمریکا و غرب هم با حمله نظامی علیه ایران موافق شده بود. شرایطی که بعد از انقلاب هیچ‌گاه چنین برای جنگ طلبان فراهم نشده بود. در سال ۱۳۹۱، فشارها برای حمله نظامی به ایران به اوج خود رسید. با برجام امکان اقدام نظامی علیه ایران بسیار ضعیف شده و تا حدود زیادی از بین رفته است. اخیراً عده‌ای وجود خطر جنگ علیه ایران را ساختگی و غیرواقعی خواندند. اظهار صریح فرمانده محترم سپاه پاسداران، سردار جعفری، مبنی بر جدی بودن سناریوی حمله به ایران در دور اول ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد، روشن کرد که این خطر جعلی نبود. مضافاً اینکه افشای سند و یکی لیکس که اخیراً منتشر شد، نشان داد حتی در سال ۹۲ هم هیلاری کلینتون پیشنهاد حمله نظامی به ایران را داده بود.

۳. سومین تأثیر کلیدی برجام برای ایران شکسته شدن اجماع جهانی علیه ایران بود. روابط خارجی ایران بعد از انقلاب فراز و نشیب‌های فراوان داشته؛ اما در کل، روابط ایران و جهان غرب همواره دچار تنش بوده است. با وجود این، دو بلوک قدرتمند جهان غرب یعنی اروپا و آمریکا تا سال ۱۳۸۴ در مورد نحوه تعامل

با ایران دچار اختلاف بودند. آمریکا معتقد به «تغییر رژیم» در ایران و اروپا معتقد به حفظ روابط با پسونند «دیالوگ انتقادی» بود. در حالی که آمریکا به طور مستمر تحریم‌ها را ادامه می‌داد، اروپا با حفظ روابط تجاری و صنعتی، منتقد سیاست‌های فرامرزی آمریکا بود. در نیمه دوم ۱۳۸۴، با آغاز به کار دولت نهم، پرونده هسته‌ای ایران با اجماع قدرت‌های جهانی به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده و تحریم‌ها اعمال شد. رویداد بی‌سابقه این بود که نه تنها اروپا برای اولین بار به آمریکا پیوست، بلکه در اعمال تحریم‌های کشنده علیه ایران بر آمریکا سبقت گرفت. تحریم‌های چندجانبه نفت و بانک مرکزی ایران را ابتدا اروپا اعمال کرد و بعد آمریکا، در صحنه بین‌المللی، برجام دو نوع اجماع بی‌سابقه علیه ایران را شکست:

اول: اجماع قدرت‌های بلوک شرق و غرب در اعمال تحریم‌های سازمان ملل و

دوم: اجماع اروپا و آمریکا در اعمال تحریم‌های یکجانبه.

بعد از برجام و در قضیه آزمایش‌های موشکی ایران، چین، روسیه و اروپا حاضر نشدند قطعنامه مجازات علیه ایران در شورای امنیت صادر شود. کنگره آمریکا هم مصوباتی داشت که برخی را دولت او باما پذیرفت، اما هیچ کدام را روسیه، چین و اروپا نپذیرفتند.

۴. تحول کلیدی بین‌المللی چهارم، پذیرش حق ایران در بهره‌مندی از تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای به ویژه غنی‌سازی و آب‌سنگین ایران توسط شورای امنیت سازمان ملل است که عالی‌ترین مرجع سیاسی و امنیتی جهان به شمار می‌رود. شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه‌های متعدد در دوران دولت قبلی، تصویب کرده بود که ایران باید تمام فعالیت‌های هسته‌ای و مرتبط با هسته‌ای را برای مدت نامعلومی متوقف کند. ایران عضو سازمان ملل است و اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل برای کلیه اعضا الزامی است و نه اختیاری. از این رو، هدف مهم ایران به کرسی نشاندن حق مشروع بهره‌مندی از تمام تکنولوژی‌های صلح‌آمیز هسته‌ای در صحنه بین‌المللی بود که با برجام به این هدف دست یافت. حرف اصلی مخالفین برجام در واشنگتن و تل‌آویو نیز همین است. الیوت آبرامز نویسنده مشهور تندرو آمریکا در روزنامه اورشلیم پست نوشت که برجام دستیابی ایران به بمب هسته‌ای را به تأخیر انداخت، ولی در عوض به آن مشروعیت بخشید (Abrams, 2016)، زیرا ساخت بمب اتم از دو راه ممکن است: یکی از راه غنی‌سازی و دیگری از طریق آب سنگین. از نظر فنی و تکنولوژیک، اکنون ایران از هر دو توان‌مندی برخوردار است، هرچند که قصد ساخت بمب ندارد، اما تأثیر این دو توان‌مندی بر توسعه تکنولوژیک ایران در سایر زمینه‌ها همچون کشاورزی و پزشکی فوق‌العاده است.

۵. اثر فراتر از حق غنی‌سازی ایران این بود که بعد از چندین دهه، بالاخره قدرت‌های جهانی رسماً و قانوناً این حقیقت را پذیرفتند که از دیدگاه معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، ان‌بی‌تی، غنی‌سازی مجاز است. در چند دهه گذشته، برخی از قدرت‌های جهانی غربی به ویژه آمریکا استدلال می‌کردند که این معاهده حق بهره‌مندی کشورهای عضو برای تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای را به رسمیت می‌شناسد، اما نه الزاماً حق غنی‌سازی را. آن‌ها تأکید می‌کردند که در معاهده عدم گسترش، هیچ اسمی از غنی‌سازی

برده نشده است. برجام تنها سند بین‌المللی در تاریخ برنامه هسته‌ای جهان است که مطابق آن، هر پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل غنی‌سازی و آب سنگین یک کشور را به رسمیت شناخته، امضا کرده و به صورت مصوبه شورای امنیت سازمان ملل درآورده‌اند. از این رو، این تحولی مهم در تفسیر جامعه جهانی از «حق بهره‌مندی از تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای» در معاهده ان‌بی‌تی است.

۶. ششمین بعد مهم بین‌المللی برجام در مورد تحریم‌ها و مجازات‌هاست. تحریم‌هایی که علیه ایران تحمیل شد، بدترین تحریم‌هایی بود که در تاریخ سازمان ملل علیه یک عضو این سازمان تحمیل شده بود. لابی ضد ایران در آمریکا تشنه تشدید تحریم‌ها بود و در دوره اول ریاست جمهوری اوباما هم بدترین تحریم‌ها اعمال شد. حتی پیش از انعقاد توافق برجام، به دلایل زیر تحریم‌ها مشروعیت و وجهت قانونی نداشت و نیز موجب کاهش توان‌مندی هسته‌ای ایران هم نشد:

● تحریم‌ها، چه به صورت یکجانبه و چه چندجانبه، هسته اصلی سیاست ایالات متحده در قبال ایران از زمان انقلاب اسلامی بوده‌اند که هدف از آن‌ها تغییر رژیم در ایران بود و ربطی هم به توان هسته‌ای و نظامی ایران نداشت. باراک اوباما، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا، زمانی که برای نخستین بار وارد کاخ سفید شد، تأکید کرد قصد دارد سیاست تعامل با ایران را دنبال کند؛ اما در دور نخست ریاست جمهوری وی، سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ آمریکا علیه ایران اعمال شد.

● استراتژی تحریم، رشد اقتصادی و صنعتی ایران را کاهش داده، سرمایه‌گذاری‌های خارجی را محدود کرده، ریال را ضعیف کرده، نرخ تورم را چند برابر کرده و تولید و صادرات نفت و گاز را کاهش داده است. محمود بهمنی، رئیس سابق بانک مرکزی جمهوری اسلامی، در توصیف اثر تحریم‌ها گفت که این تحریم‌ها چیزی کمتر از جنگ نظامی ندارند.

● اگر هدف تحریم‌ها صدمه‌زدن به مردم ایران بوده، این هدف محقق شده؛ اما در صورتی که تحریم‌ها به منظور راضی کردن تهران به دست کشیدن از برنامه‌های هسته‌ای اش طراحی شده باشند، شکست خورده و در واقع به فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی نیز شتاب بخشیده‌اند. ایرانیان با توجه به طرز تفکر، فرهنگ و عقاید مذهبی، مخالف تسلیم شدن هستند و به همین دلیل برنامه‌های هسته‌ای خود را توسعه دادند.

● پیشرفت هسته‌ای ایران در زمان اعمال تحریم‌ها جای تردیدی باقی نمی‌گذارد که زور و اجبار غرب، عامل مهمی در سوق دادن جمهوری اسلامی به سمت خودکفایی در تکنولوژی هسته‌ای بوده است. پدیده مشابهی در جریان جنگ ایران و عراق رخ داد. پیش از این درگیری، ایران نمی‌توانست حتی یک گلوله تولید کند و به طور کامل به تسلیحات غربی وابسته بود؛ اما در دوران جنگ و پس از آن، با وجود افزایش تحریم‌ها، ایران صنعت دفاعی عظیمی را بنیان‌گذاری کرد و در تولید سلاح به خودکفایی رسید. ایران هم‌اکنون موشک‌های دوربرد ساخته و حتی یک ماهواره نیز به فضا فرستاده است.

● ایالات متحده نیز در خلال سیاست تحریم‌ها، نفوذ شرق در ایران را زمینه‌ساز شد. از سال ۲۰۰۱،

صادرات چین به ایران تقریباً ۶ برابر شد. هرچند اروپا در سال‌های ۱۹۹۰، حدود ۵۰ درصد از اقتصاد ایران را تشکیل می‌داد، به واسطه تحریم‌ها، این جایگاه خود را از دست داد. به بیان دیگر، غرب خود را علیه نفوذ در ایران تحریم کرد و راه را برای ورود رقبایی مانند چین، روسیه و هند باز کرد. در واقع تحریم‌ها، جهت تجارت بین‌المللی ایران را از غرب به شرق تغییر داد و غرب نیز در این مورد بازنده بود.

● ایرانیان در جمع دیگر ملت‌های در منطقه، کمترین خصومت را با مردم ایالات متحده دارند. یکی از اهداف آمریکا در افزایش تحریم‌ها، ایجاد نارضایتی در مردم بود تا اینکه مسئولین جمهوری اسلامی مجاب به عقب‌نشینی شوند، اما نتیجه این شد که مقامات آمریکایی احساس کردند تحریم‌ها مردم عادی را تحت تأثیر قرار داده و به این ترتیب ریسک نشانیدن بذر نفرتی درازمدت در دل ایرانیان علیه آمریکا، به وجود آورد. نظرسنجی گالوپ نشان می‌دهد ایرانیان پیامد تحریم‌ها را حس کرده‌اند و به جای سرزنش رهبران خود، ایالات متحده را در این زمینه مقصر می‌دانند.

● تحریم‌ها طبقه متوسط در جامعه را تضعیف کرده و بخش خصوصی را به نفع بخش دولتی به حاشیه رانده است. علاوه بر این، تحریم‌ها تجارت را از سیستم بانکداری رسمی خارج و به سمت شبکه‌های زیرزمینی متمایل کرده است. در نتیجه، تحریم‌های غرب ایران را ناگزیر کرده از اقتصاد بازار فاصله بگیرد. ● اکنون واضح است که ایالات متحده در استفاده از تحریم‌ها برای برانگیختن همکاری تهران، موفق نبود. سیاست تحریم غرب به رادیکال‌تر شدن سیاست ایران منجر شد. محمدرضا نقدی، فرمانده بسیج، مخالف آن بود که ایران در دور بعدی مذاکرات هسته‌ای، پیشنهاد لغو تحریم‌ها را ارائه دهد. وی بر این باور است که تحریم‌ها پتانسیل نهفته ایران را آزاد کرده و تحریم نفتی موجب شده وابستگی ایران به فروش نفت از بین برود. این به معنی استقبال از تحریم و مخالفت با رفع تحریم از جانب یک طرز تفکر در ایران بود، پدیده‌ای که قبلاً در صحنه سیاسی بعد از انقلاب دیده نشده بود.

● توسعه تکنولوژی هسته‌ای مایه افتخار و غرور ملی برای ایرانیان است. اکثریت ایرانیان از برنامه‌های هسته‌ای دفاع می‌کنند. نظرسنجی گالوپ در دسامبر ۲۰۱۲، نشان داد ۶۳ درصد ایرانیان اعتقاد دارند با وجود تحریم‌ها، برنامه‌های هسته‌ای باید پیش برود. در این بین تنها ۱۷ درصد مخالف بوده‌اند.

● تحریم‌ها موجب شدند جمهوری اسلامی این‌گونه نتیجه‌گیری کند که آمریکا در سیاست تعامل با تهران، جدی نیست و همچنان سیاست سنتی خود مبتنی بر تغییر رژیم را دنبال می‌کند. مقام معظم رهبری در سخنرانی خود تأکید کردند که هر زمان که به راه حل نزدیک می‌شویم، آمریکایی‌ها مشکلی ایجاد می‌کنند تا از دستیابی به راه حل جلوگیری کنند. ایشان ادامه دادند: «به گمان من هدف آن‌ها غیر قابل حل نگاه داشتن این موضوع است تا بهانه‌ای برای افزایش فشار بر ایران داشته باشند» (Mousavian, 2013). بنابراین، جمع‌بندی عالی‌ترین مقام تصمیم‌گیرنده در ایران این شد که آمریکا خواهان حل مسئله هسته‌ای نیست و از این موضوع به عنوان ابزاری برای تغییر رژیم استفاده می‌کند. خوشبختانه با برجام هم قطار

اعمال تحریم‌های جدید متوقف شد و هم ساختار قانونی تحریم‌های یکجانبه، چندجانبه و بین‌المللی هسته‌ای در هم شکست.

۷. خروج آبرومندانه از شورای امنیت. معمولاً قدرت‌های بزرگ در شورای امنیت سازمان ملل برای کشورها و بحران‌ها نسخه‌های مورد نظر خود را می‌پیچیدند و آن را به کشورها تحمیل می‌کردند. شاید برای اولین بار بود که پنج قدرت جهانی عضو شورای امنیت سازمان ملل در مورد یک بحران بین‌المللی و تعیین و تکلیف شش قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، با یک کشور عضو، آن هم از جهان سوم، بر سر یک میز نشستند تا به توافق مرضی طرفین برسند. این پدیده‌ای بی‌سابقه یا کم‌سابقه در روابط بین‌المللی قدرت‌های جهانی و اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل بود که وزن و ویژه‌ای به ایران در صحنه بین‌المللی داد. تاریخ سازمان ملل نشان می‌دهد کشورهایی که در قالب فصل هفت منشور تحریم شدند، نهایتاً یا تسلیم شدند یا با حمله نظامی مواجه شدند. ایران اولین کشور در تاریخ شورای امنیت سازمان ملل است که بدون تسلیم و جنگ، هر شش قطعنامه شورای امنیت را کان‌لم‌یکن کرد، تحریم‌ها را برداشت و حق غنی‌سازی و آب سنگین را نیز گرفت.

۸. گشایش در روابط خارجی، هشتمین تأثیر مهم بین‌المللی برجام بود. به خاطر قطعنامه‌های سازمان ملل و برخی از شعارهای بی‌قاعده و تند در دولت قبل مثل نفی هولوکاست، روابط خارجی ایران به پایین‌ترین سطح خود بعد از انقلاب تنزل یافت. برخی از کشورها مثل کانادا و انگلیس روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کردند، سایر کشورهای مهم مثل اروپا و ژاپن و حتی کره جنوبی، سفرهای متقابل در سطح سران و وزرا را قطع کردند. به گفته یکی از سفرای ایران در اروپا، بیش از یک سال وزیر خارجه و رئیس‌جمهور کشور متوقف فیه حتی برای دریافت استوزنامه به او وقت ندادند تا اینکه انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ انجام شد و بعد از آن به او وقت ملاقات داده شد. چنین پدیده‌ای در روابط خارجی ایران، بعد از انقلاب و حتی در دوران جنگ سابقه نداشت. چنین وضعیتی، وهن نظام در صحنه بین‌الملل بود. خوشبختانه بعد از برجام رفت و آمدهای دیپلماتیک جمهوری اسلامی هم به بالاترین سطح ارتقا یافت، به طوری که چنین حجمی در روابط دیپلماتیک تاریخ جمهوری اسلامی بی‌سابقه بوده است. این ارتقاء روابط دیپلماتیک، اعتباری برای نظام و انقلاب اسلامی و ملت بزرگ ایران است که به حق شایسته آن است. دونالد ترامپ در سخنرانی انتخاباتی خود با فاجعه خواندن برجام گفت که برجام ایران را به قدرت بلامنازع و در حقیقت مسلط خاورمیانه تبدیل کرد. صهیونیست‌ها و مخالفین برجام مرتب در رسانه‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی می‌نویسند که آمریکا با برجام به برتری قدرت ایران در منطقه مشروعبیت بخشید. آثار بین‌المللی ارتقاء جایگاه منطقه‌ای ایران اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

۹. انقلاب اسلامی ایران، یک شعار مهم در روابط بین‌الملل را معرفی کرد و آن اصل اساسی در سیاست خارجی، یعنی «نه شرقی و نه غربی» بود. تحریم‌ها روابط ایران با بلوک غرب را به صفر نزدیک

کرد و ایران را به سمت وابستگی به بلوک شرق کشاند. برجام تعادل در روابط با بلوک شرق و غرب را برای ایران ممکن ساخته و استمرار اصل «نه شرقی و نه غربی» را استحکام بخشید. شکست یا موفقیت ایران در پیشبرد اصل «نه شرقی - نه غربی»، تأثیرات قابل توجهی در آینده روابط بین‌الملل خواهد داشت. ۱۰. دهمین تأثیر بین‌المللی برجام، تأکید بر حق بهره‌مندی بدون تبعیض کشورهای عضو معاهده هسته‌ای است. حقیقت این است که بعد از اجرایی شدن معاهده هسته‌ای در دهه ۱۹۷۰، تبعیض در حق بهره‌مندی کشورهای عضو از تکنولوژی‌های صلح‌آمیز هسته‌ای مشهود بوده و این تبعیض در بدترین نوع خودش علیه ایران در طول ۳۶ سال اعمال شد. دسترسی به تکنولوژی‌های پیشرفته هسته‌ای جهان، از اهداف مهم دیگر ایران در مذاکرات بود. بعد از انقلاب، قدرت‌های غربی ایران را در مورد کلیه تکنولوژی‌ها و تجهیزات و مواد هسته‌ای تحریم کردند. آلمان‌ها قرارداد اجرای پروژه بوشهر را متوقف کردند، فرانسوی‌ها قرارداد تحویل سوخت هسته‌ای را متوقف کردند و سایر کشورهای غربی هم به اقدامات مشابهی دست زدند. بسیاری از قدرت‌های بلوک شرق مثل چین و هند هم توافقات هسته‌ای با ایران را متوقف کردند. برجام این بن‌بست را بعد از ۳۶ سال شکست و امروزه ایران به بازار مواد و تجهیزات و تکنولوژی هسته‌ای جهان دسترسی پیدا کرده، به طوری که به آمریکا هم آب سنگین صادر می‌کند. تکنولوژی هسته‌ای از مهم‌ترین تکنولوژی‌ها در جهان صنعت است. دسترسی ایران به تکنولوژی روز هسته‌ای، راه را برای دسترسی به سایر تکنولوژی‌های مهم نیز هموار می‌کند. همچنین، در برجام تصریح شده که قدرت‌های جهانی باید بدون تبعیض حق بهره‌مندی ایران از تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای را اجرا کنند. این واقعیت، شرایط بین‌المللی دسترسی کشورها به تکنولوژی هسته‌ای را بیش از پیش تسهیل خواهد کرد.

۱۱. برجام در حقیقت جامع‌ترین توافقی است که در زمینه پیش‌گیری از دسترسی به بمب هسته‌ای در تاریخ هسته‌ای جهان به امضای قدرت‌های جهانی رسیده است. استراتژی هسته‌ای ایران بر این مبناست که هیچ کشوری بمب هسته‌ای نداشته باشد، ضمن اینکه همه کشورها بتوانند از تکنولوژی صلح‌آمیز هسته‌ای بهره‌مند شوند. از این رو، اگر قدرت‌های جهانی در تحقق جهانی عاری از سلاح هسته‌ای جدی باشند، برجام کامل‌ترین نسخه مکتوب در زمینه عدم اشاعه سلاح هسته‌ای در صحنه بین‌المللی است که عمومیت بخشیدن آن می‌تواند جهان عاری از سلاح هسته‌ای را تحقق بخشد.

۱۲. دوازدهمین تأثیر بین‌المللی که برجام می‌تواند داشته باشد، تحقق مصوبات سازمان ملل در مورد عاری‌سازی خاورمیانه از سلاح هسته‌ای است. بیش از ۴۰ سال است مصوبات سازمان ملل در این مورد ابر مانده است. اگر اصول برجام در منطقه خاورمیانه اجرا شود، خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای، عملاً شکل خواهد گرفت.

۱۳. تحریم نفت ایران، معادلات اوپک که یک سازمان بین‌المللی است را به نفع عربستان تغییر داد. فروش نفت ایران به یک میلیون بشکه کاهش و متقابلاً عربستان فروش نفت خود را افزایش داد. افزایش



وابستگی جهان به نفت عربستان، قدرت مانور سیاسی و امنیتی و اقتصادی عربستان در صحنه بین‌الملل را افزایش داد، به ویژه اینکه ادامه تحریم‌ها، فروش نفت ایران را به صفر می‌رساند. برجام به تحریم نفت ایران خاتمه بخشید و ایران را در موقعیتی قرارداد که نه تنها از بازار فروش نفت در جهان حذف نشود، بلکه به سهمیه قبلی خود بازگردد. بازگشت ایران به جایگاه بین‌المللی گذشته خود در صحنه انرژی، تأثیرات مثبتی به نفع ایران داشته و خواهد داشت. پیروزی ایران بر عربستان در اجلاس اخیر اوپک اولین نشانه بارز بود. ۱۴. روابط بین‌الملل در چند دهه گذشته در موارد متعدد تحت تأثیر روابط ایران و آمریکا قرار گرفته است. ایران و آمریکا خصمانه‌ترین نوع روابط را در تاریخ چند دهه اخیر دیپلماسی جهان تجربه کرده‌اند. برجام فرصتی ایجاد کرد که برای اولین بار بعد از انقلاب اسلامی، ایران و آمریکا در سطح وزرای خارجه به مذاکره نشستند و طولانی‌ترین مذاکرات چند دهه اخیر تاریخ دیپلماسی بین‌المللی را نیز شکل دادند. از ابتدا روشن بود که:

اولاً، جمهوری اسلامی ایران برجام را با فرض اعتماد به آمریکا امضا نخواهد کرد، همان‌طور که آمریکا هم برجام را با فرض اعتماد به ایران امضا نکرد.

ثانیاً، برجام در مورد حل و فصل مشکلات روابط ایران و آمریکا نخواهد بود و تهران هم از ابتدا قصد نداشت با برجام به رابطه با آمریکا برسد. هرچند اوپاما، رئیس‌جمهور آمریکا چنین فرضیه‌ای را در ذهن داشت و آمادگی آن را هم داشت، اما هدف مقام معظم رهبری از موافقت با مذاکرات مستقیم سطح بالا فقط در مورد موضوع هسته‌ای بود.

ثالثاً، روابط با ایران در داخل آمریکا مخالفین قسم‌خورده‌ای دارد که لابی صهیونیست‌ها و اعراب معاند پشت صحنه بسیاری از این مخالفت‌ها و دشمنی‌ها و جوسازی‌ها علیه ایران است. البته، روابط با آمریکا در داخل ایران هم با مخالفت‌های بسیار جدی و اساسی روبه‌رو بوده، هست و خواهد بود.

از این رو، مخالفین برجام در آمریکا که در رأس آن‌ها نومحافظه کاران، لابی صهیونیست و اعراب تکفیری بودند، بعد از قطعی شدن برجام، کارشکنی‌ها را با لویایح و مصوبات جدید کنگره آغاز کردند که قطعاً مخالف روح برجام بود و آن‌ها هم دقیقاً با همین هدف اقدام کردند. صهیونیست‌ها و لابی اعراب تکفیری به رهبری عربستان و منافقین، هم قبل و هم بعد از برجام لحظه‌ای آرام ننشسته و نخواهند نشست تا:

اولاً، برجام را با مشکل مواجه کنند و ثانیاً، اگر نتوانستند، دشمنی آمریکا با ایران را تقویت کنند و مانع هر گونه تشنج‌زدایی در روابط واشنگتن با تهران شوند. شرایط برای این جبهه بعد از اوپاما بسیار فراهم‌تر خواهد شد.

بی‌اعتمادی‌ها و خصومت‌های متقابل دو کشور ریشه‌دار و تاریخی است و توقع هم نبوده با برجام برطرف شود. دلایل ۲۰گانه بی‌اعتمادی ایران به آمریکا را می‌توان به شرح زیر ارائه کرد:

۱. برگرفته از سخنرانی سید حسین موسویان در اجتماع دانشگاه جنگ آمریکا با حضور ۴۰۰ ژنرال آمریکایی.

- آمریکا و انگلیس در اوایل ۱۹۵۰ با ملی‌شدن صنعت نفت ایران مخالفت و با تصویب قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل، ملی‌شدن نفت ایران را تهدید صلح و امنیت بین‌الملل خوانده و ملت ایران را به خاطر ملی‌کردن صنعت نفتشان، تحریم اقتصادی کردند. همین سیاست را آمریکا و غرب در مورد ملی‌شدن صنعت هسته‌ای ایران اعمال کرده‌اند.
- آمریکا و انگلیس در سال ۱۹۵۳ با کودتا علیه حکومت منتخب و ملی دکتر محمد مصدق، در حقیقت ریشه دموکراسی را برای ۲۵ سال در ایران خشکاندند.
- آمریکا و غرب ۲۵ سال از حکومت دیکتاتوری و فاسد شاه در ایران حمایت کردند که در حقیقت انقلاب اسلامی ایران واکنشی به این سیاست آمریکا بود.
- از ابتدای انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ ایران، دولت‌های آمریکا به دنبال سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و «تغییر رژیم» در ایران بودند. تنها در زمان اوپاما این سیاست در پروسه تجدید نظر قرار گرفته است.
- بعد از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، آمریکا و غرب میلیاردها دلار پروژه صنعتی ایران را ناتمام رها کرد، در حالی که هم طبق قراردادهای متعدد بود و هم هزینه پروژه را دریافت کرده بود.
- در سال ۱۹۸۰ صدام به ایران تجاوز کرد؛ آن هم به قصد تجزیه ایران. آمریکا و قدرت‌های شرق و غرب از متجاوز حمایت کردند که این تجاوز ۳۰۰ هزار شهید، یک میلیون مجروح، دو میلیون آواره و حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار خسارت برای ایران به بار آورد.
- در دوران تجاوز به ایران، آمریکا و غرب تکنولوژی و مواد سلاح‌های شیمیایی را در اختیار صدام گذاشت. صدام از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران استفاده کرد که موجب کشته و زخمی شدن حدود ۱۰۰ هزار ایرانی شد.
- در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، آمریکا طی بمباران تأسیسات نفتی ایران، بزرگ‌ترین عملیات نظامی نیروی دریایی خود بعد از جنگ جهانی دوم را علیه ایران انجام داد.
- در زمان تجاوز عراق به ایران، آمریکا هواپیمای مسافربری ایران را بر فراز آب‌های خلیج فارس سرنگون کرد و ۲۹۰ مسافر بی‌گناه از جمله ۶۶ کودک را کشت.
- در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، ایران دعوت «حسن نیت در مقابل حسن نیت» رئیس‌جمهور آمریکا بوش (پدر) را برای تسهیل در آزادی گروگان‌های آمریکایی و غربی در لبنان پذیرفت؛ اما بعد از آزادی گروگان‌ها، آمریکا به جای حسن نیت، تحریم‌ها و فشارها را افزایش داد.
- در دوران ریاست جمهوری خاتمی، ایران با ارتش آمریکا برای سرنگونی القاعده و طالبان همکاری کرد، ولی در پاسخ رئیس‌جمهور بوش (پسر)، ایران را «محمور شرارت» خواند.
- حتی در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد ایران برای حل مشکلات با آمریکا حسن نیت به خرج داد. فقط در یک سال دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد:

الف. معاون وزیر خارجه ایران، مارک گروسمن نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان را برای سفر رسمی به ایران جهت گفت‌وگو در مورد همکاری در افغانستان دعوت کرد و واشینگتن نپذیرفت.  
ب. ایران از طرح هسته‌ای گام به گام روسیه حمایت کرد، اما آمریکا نپذیرفت. چارچوب آن طرح همین توافقی است که اکنون انجام شده است.

ج. ایران به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیشنهاد «پنج سال نظارت کامل» را داد و آمریکا رد کرد.  
د. ایران کوهنوردان آمریکایی را آزاد کرد.

ه. ایران پیشنهاد توقف غنی‌سازی ۲۰٪ و محدود کردن غنی‌سازی به ۵٪ را در مقابل دریافت سوخت راکتور تهران ارائه کرد، اما آمریکا نپذیرفت. در مقابل این همه حسن نیت بی‌سابقه، آمریکا و غرب هم تحریم‌ها را افزایش دادند و هم قطعنامه در مورد تروریسم و حقوق بشر علیه ایران در سازمان ملل را تصویب کردند.  
● از ابتدای انقلاب تا کنون آمریکا با جایگاه طبیعی و منافع مشروع ایران در منطقه مقابله کرده است.  
● آمریکا با صدور بی‌سابقه تسلیحات به کشورهای عربی منطقه، در حقیقت منطقه را میلیتاریزه کرده، در حالی که ایران را مورد تحریم کامل تسلیحاتی قرار داده است.

● آمریکا در سرتاسر مرزهای ایران حضور نظامی برقرار کرده است.

● آمریکا با حمایت بی‌چون و چرا از اسرائیل موجب نقض حقوق مشروع فلسطینی‌ها شده و چک سفید امضای آمریکا به اسرائیل، موجب شده این رژیم به راحتی تمام مقررات جهانی را زیر پای بگذارد.  
● در حالی که آمریکا مدعی دموکراسی و حقوق بشر است، در خاورمیانه در دهه‌های گذشته، صرفاً از رژیم‌های دیکتاتوری حمایت کرده است؛ از شاه و بن‌علی و مبارک گرفته تا رژیم‌های ظالم فعلی عربی.  
● واشینگتن سیاست دوگانه را ادامه داده و برای مثال با کشورهای هند، پاکستان و اسرائیل رابطه استراتژیک برقرار کرده، در حالی که آن‌ها معاهده ان‌بی‌تی را نپذیرفته و بمب هسته‌ای هم ساخته‌اند. متقابلاً آمریکا همه تحریم‌ها را علیه ایرانی اعمال کرده که هم معاهده ان‌بی‌تی را پذیرفته و هم بمب هسته‌ای ندارد و هم نشانه‌ای از انحراف در برنامه هسته‌ای آن مشاهده نشده است.

● آمریکا از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند، چه گروه‌های تروریستی مخالف بشار اسد در سوریه و چه گروه‌های تروریستی ضد جمهوری اسلامی مثل جند الله یا منافقینی که ۱۷۰۰۰ ایرانی را بعد از انقلاب کشته‌اند و الان هم در کنار کنگره آمریکا دفتر دارند.

● از ابتدای انقلاب، آمریکا با حقوق مشروع هسته‌ای ایران مخالفت کرد. میلیاردها دلار خسارت به ایران وارد شد. پول سوخت راکتور تهران را گرفت و نه پول را پس داد و نه سوخت را. به آلمان و فرانسه فشار آورد و موجب شد آن‌ها به تعهدات خود عمل نکنند. ایران حدود ۸ میلیارد مارک به آلمان برای پروژه بوشهر پرداخته و ۹۰٪ پروژه هم تمام شده بود. ایران ۱/۲ میلیارد دلار به فرانسه برای تولید مشترک سوخت در خاک فرانسه پرداخت کرده بود.

● وقتی ایران به تکنولوژی غنی‌سازی برای تأمین سوخت دست یافت، آمریکا و اسرائیل با جنگ سایبری و کشتن دانشمندان هسته‌ای ایران، وارد مقابله با حقوق مشروع ایران شدند. همه این اقدامات زمانی صورت گرفت که سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ گزارش دادند ایران نه بمب هسته‌ای دارد و نه تصمیمی برای ساخت آن (موسویان، ۱۳۹۴).

با وجود این، طی مذاکرات هسته‌ای، واقعیات زیر و مرتبط با روابط ایران و ایالات متحده چشم‌گیر بود:

- مذاکرات در سطح وزرای خارجه دو کشور برای اولین بار صورت گرفت و با موفقیت خاتمه یافت.
- مذاکرات هسته‌ای بین‌المللی بود اما ایران و آمریکا دو کشور کلیدی در مذاکرات برجام بودند.
- بدنه کارشناسی دستگاه‌های دیپلماسی دو کشور جدی‌ترین مذاکرات تاریخ روابط را تجربه کردند.
- در کنار برجام و برای اولین بار، مذاکرات مقامات امنیتی دو کشور مستقیم و رسمی انجام شد و به آزادی تعدادی از زندانیان دو کشور ختم شد. از این رو، این مذاکرات هم با موفقیت نسبی مواجه بود.

مخالفت صهیونیسم و اعراب وهابی به رهبری عربستان با مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا و نیز با برجام، دست‌کشورهایی که در پشت صحنه آتش‌بیار معرکه خصومت ایران و آمریکا بودند را برای جامعه بین‌الملل رو کرد. موضوع هسته‌ای از دشوارترین اختلاف‌های چند دهه گذشته ایران و آمریکا بود. حل این اختلاف از طریق مذاکره نشان داد اگر حسن نیت و اراده سیاسی وجود داشته باشد، راه برای ختم خصومت‌ها وجود دارد؛ خصومت‌هایی که آثار مهمی نه تنها برای دو کشور و منطقه، بلکه در صحنه بین‌المللی داشته و خواهد داشت.

۱۵. تا قبل از برجام، آمریکا و عربستان قادر بودند از حضور ایران در مذاکرات بین‌المللی صلح سوریه جلوگیری کنند. در حقیقت، این اقدام به معنی عدم به رسمیت شناختن نقش و منافع جمهوری اسلامی ایران در سوریه بود، اما بعد از برجام، مقاومت عربستان و آمریکا شکسته شد و ایران به مذاکرات بین‌المللی سوریه دعوت شد. ورود ایران به مذاکرات بین‌المللی سوریه، پیروزی آشکار ایران بر عربستان بود که نقش مهمی در تعدیل نسبی سیاست‌های آمریکا و اروپا در مورد سوریه نیز داشت. قبل از آن آمریکا بر «اسد باید برود» اصرار داشت، حجم کمک‌های آمریکا به گروه‌های تروریستی بالا بود و آمریکا یکپارچه در کنار عربستان و دشمنان منطقه‌ای ایران بود. بعد از ورود ایران، آمریکا «شعار اسد باید برود» را بسیار کم‌رنگ کرد، کمک‌های تسلیحاتی به گروه‌های تروریستی را کاهش داد، هرچند هنوز ادامه دارد و رسماً هم پذیرفت که بحران سوریه راه حل نظامی ندارد و تصمیم در مورد بشار اسد هم به عهده مردم سوریه با انتخاباتی آزاد خواهد بود. این‌ها همه مواردی بود که ایران اصرار داشت و عربستان مخالف بود.

۱۶. برجام موجب تغییر در روابط آمریکا با رژیم صهیونیستی و نیز متحدین عرب آن شد، پدیده‌ای که در چند دهه اخیر در روابط خارجی آمریکا مشاهده نشده بود. آمریکا نقش بسزایی در مسائل بین‌المللی دارد. اوضاع داخلی آمریکا هم تأثیر مهمی بر تصمیمات سیاست خارجی این کشور می‌گذارد. کمتر مسئله

سیاست خارجی آمریکا در سی سال گذشته مثل برجام در داخل آمریکا این‌گونه فضای داخلی آمریکا را تحت تأثیر قرار داد. کار به جایی رسید که دو طرف در سراسر آمریکا اقدام به لشکرکشی خیابانی کردند. در رسانه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی آگهی تبلیغاتی منتشر می‌کردند. تانیاهاو در کنگره آمریکا حدود یک ساعت علیه برجام و رئیس‌جمهور آمریکا سخنرانی کرد. سعودی‌ها صدها میلیون دلار بین رسانه‌ها و شبکه‌های لابی و کنگره و رسانه‌ها خرج کردند. محمد بن سلمان وزیر دفاع عربستان اخیراً به آمریکا سفر کرد و ملاقات‌های متعددی داشت. مسئله اول او هم ضربه‌زدن به برجام و تحریک آمریکایی‌ها برای تقابل با ایران بود. شکاف در روابط آمریکا با متحدین منطقه‌ای‌اش به حدی اوج گرفته که تل آویو و پایتخت‌های عربی از تغییر سیاست او با ما در مورد ایران ناامید شده و برای اتمام دوره ریاست جمهوری او روزشماری می‌کنند. هنگامی خشم سعودی‌ها به اوج رسید که او با ما در مصاحبه چند ماه قبل رسماً اعلام کرد که عربستان و ایران باید منطقه را شریک شوند.

۱۷. برجام، موجب توقف جنگ سایبری آمریکا علیه تأسیسات هسته‌ای ایران شد. آمریکا و اسرائیل در اوج بحران هسته‌ای، جنگ سایبری علیه تأسیسات هسته‌ای ایران به راه انداختند و تعدادی از دانشمندان هسته‌ای ایران را ترور کردند. این مداخله‌ای آشکار، خطرناک و مغایر منافع ملی ایران بود، ضمن اینکه با لاینحل ماندن موضوع هسته‌ای، ابعاد جنگ سایبری نیز می‌توانست گسترش یابد و تهدیدات بیشتری را متوجه امنیت ملی ایران کند (Mousavian, 2013).

۱۸. تأثیر بعدی برجام، تقویت روند چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌الملل بود. سیاست یکجانبه‌گرایی آمریکا آثار مخربی برای جامعه جهانی داشت. برجام بهترین مدل و سند برای اثبات برتری دیپلماسی چندجانبه‌گرایی در مقابل یکجانبه‌گرایی آمریکاست. استمرار روند چندجانبه‌گرایی می‌تواند به استراتژی یکجانبه‌گرایی آمریکا در روابط بین‌الملل خاتمه بخشیده و نقش مؤثرتری در مدیریت بحران‌های جاری بین‌المللی و تأمین صلح و ثبات و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد.

۱۹. کیسینجر به یکی از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی گفت که «خروج ایران از خرواری از تحریم‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، باورکردنی نبود». این جمله یکی از برجسته‌ترین دیپلمات‌های قرن معاصر، در حقیقت تأیید این مطلب است که با برجام، بزرگان سیاست جهان امروز، «اقتدار دیپلماسی» را درک و باور کردند. مذاکرات برجام لحظه به لحظه توسط برجسته‌ترین رسانه‌های جهان پوشش داده شد و بدین ترتیب برای اولین بار بعد از انقلاب اسلامی، برجام در وسیع‌ترین شکل ممکن توانست مهارت دیپلماتیک نظام جوان اسلامی ایران را به افکار عمومی و سیاستمداران جهان عرضه کند. با برجام، دنیا باور کرد که شعور، توان و ظرفیت دیپلماسی ایران نه تنها چند سروگردن از کشورهای منطقه بالاتر، بلکه در سطح پنج قدرت جهانی عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل است.

۲۰. سال‌ها به بهانه ایجاد موازنه در برابر برنامه‌های هسته‌ای ایران، مهم‌ترین دشمنان منطقه‌ای

ایران کوشیدند فعالیت‌های صلح‌آمیز ایران را سکوی پرتابی برای کسب تسلیحات هسته‌ای قرار دهند. گزارش‌های قابل توجهی در خصوص تلاش شماری از کشورهای منطقه برای به دست آوردن این‌گونه تسلیحات وجود دارد. همان‌گونه که در بخش پیامدهای نامطلوب گفتیم، ممکن است این خطر در آینده همچنان وجود داشته باشد، اما با توافق هسته‌ای تا سال‌ها تحقق این خطر به تعویق افتاده است. نه تنها برای صلح و امنیت جهانی و نه تنها به خاطر حمایت از هدف خاورمیانه‌عاری از تسلیحات هسته‌ای، بلکه برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نیز جلوگیری از گسترش تسلیحات هسته‌ای از اولویت بالایی برخوردار است.

### نتیجه‌گیری

هر توافق بین‌المللی برای مصالحه در سیاست جهان، مرکب از پیامدهای نامطلوب و مطلوب است، اما حقیقت این است که برجام شامل حداقل پیامدهای نامطلوب و حداکثر نسبی پیامدهای مطلوب است. فراتر از آنچه گفته شد، برجام «مدل مدیریت بحران» را به قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای ارائه کرده است. در این مقاله نشان دادیم که توزیع مزیت‌ها غیرقطعی و پیچیده‌تر از آنی است که در نگاه نخست به نظر می‌رسد و مرور هر کدام از آن‌ها، یادآوری می‌کند که دیپلماسی بین‌المللی در رقابت استراتژیکی که برجام محصول آن بود، با این موافقتنامه خاتمه نخواهد گرفت. جمهوری اسلامی ایران و همین‌طور شش قدرت جهانی، دلایل زیادی برای حمایت از برجام دارند و انتظار می‌رود در تداوم این حمایت ثابت قدم باشند؛ اما این بدان معنا نیست که هر کدام از این کشورها نخواهند کوشید مزیت‌های حاصل از توافق را برای خود افزوده و برای دیگران بکاهند. «مدیریت مزیت‌ها» به تقیای تازه‌ای شکل می‌بخشد که بازیگران متعددی را درگیر خود می‌سازد. جمهوری اسلامی ایران باید تلاش کند ضمن مراقبت از مزایای مطلوب خود، پیامدهای نامطلوب و ناخواسته را زیر نظر بگیرد و با بهره‌گرفتن از فرصت‌های سیاسی و اقتصادی که برجام در اختیار می‌گذارد، مانع از تبدیل شدن آن به بهانه‌ای برای دست‌گذاشتن بر نقاط آسیب‌پذیر شود. پنجره‌ای که برجام بر روی ایران و جامعه بین‌المللی باز کرده، برای همیشه گشوده نخواهد ماند. پرسش بعدی اینجاست که آیا قدرت‌های بزرگ و همسایگان ما خواهند توانست این فرصت تاریخی را به نقطه عطفی برای تغییر خط مشی سیاسی کهنه و تبدیل کردن آن به دریچه‌ای رو به سوی ژئوپولیتیک قرن ۲۱ که هر کدام از کشورهای دخیل جایگاه متناسب با نظام جهانی در حال ظهور را تدارک می‌بینند، هدایت کنند؟ جمهوری اسلامی ایران نیز باید خود را آماده کند که نقش‌آفرینی ویژه‌اش را در سامان‌دادن به محیط استراتژیکی جدیدی که برجام مقدمه‌ای کوتاه بر آن است، ایفا کند.

## منابع

- تابناک (۱۳۹۴) ژنرال آینده آمریکا، دلیل بی‌اعتمادی ایران به آمریکا را نمی‌دانستند،  
<https://www.youtube.com/watch?v=1-LlFo56Wic>
- حسینی، دیاکو (۱۳۸۹) ژئوپولیتیک، روسیه هارتلندی و دروغ‌های تاریخی، دیپلماسی ایرانی، ۲ شهریور.
- Albright, David and Andrea Stricker (2016) Iranian Atomic Energy Organization Attempted Carbon Fiber Procurement, Institute for Science and International Security, July 7. Retrieved from: <http://isis-online.org/isis-reports/detail/iranian-atomic-energy-organization-attempted-carbon-fiber-procurement>
- Abrams, Eliot (2016) The Iran deal a year after: There are no benefits, The Jerusalem Post, July. Retrieved from:  
<http://www.jpost.com/Opinion/The-Iran-deal-a-year-after-There-are-no-benefits-459590>
- Aljazeera (January 2016) Opinion Poll: “Arab Elites’ Attitudes toward Arab-Iranian Relations and Iran’s Role in the Region”, Retrieved from: <http://studies.aljazeera.net/en/reports/2016/01/2016118124555639612.html>
- Brendon, Piers (2010) **The Decline And Fall Of The British Empire**, Random House.
- Barnaby, Frank (1989) **The Invisible Bomb: The Nuclear Arms Race in the Middle East**, London: I. B. Tauris, 1989, pp. 64-69.
- Davenport, Kelsey (2015) **WMD-Free Middle East Proposal at a Glance**, Arms Control Association, June 2015.
- Drezner, Daniel W. (1999) **The Sanctions Paradox: Economic Statecraft and International Relations**, Cambridge University Press.
- Drezner, Daniel W. (2014) Five myths about sanctions, The Washington Post, May 2. Retrieved from: [https://www.washingtonpost.com/opinions/five-myths-about-sanctions/2014/05/02/a4f607b6-d0b4-11e3-9e25-188e1fa93b\\_story.html](https://www.washingtonpost.com/opinions/five-myths-about-sanctions/2014/05/02/a4f607b6-d0b4-11e3-9e25-188e1fa93b_story.html)
- Dubowitz, Mark (2016) **The Iran Deal’s Fatal Flaws after One Year: Emboldened Iran and Diminished American Deterrence**, FDD Press, 4th July.

- Einhorn, Robert and Richard Nephew (2016) The Iran nuclear deal: Prelude to proliferation in the Middle East? Brookings, May 31. Retrieved from: <https://www.brookings.edu/research/the-iran-nuclear-deal-prelude-to-proliferation-in-the-middle-east/>
- Franzese, Robert J. and Michael J. Hiscox (1995) **Bargains, Games, and Relative Gains: Positional Concerns and International Cooperation**, Center for International Affairs, Harvard University.
- Layne, Christopher (2007) **The Peace of Illusions: American Grand Strategy from 1940 to the Present**, Cornell University Press, pp. 51-71.
- Raymond, Paul (2015) How Gulf columnists reacted to the Iran nuclear deal, *The New Arab*, 4 April. Retrieved from: <https://www.alaraby.co.uk/english/comment/2015/4/5/how-gulf-columnists-reacted-to-the-iran-nuclear-deal>
- Reuters (2016) Saudi Arabia Warns Against ‘Nefarious Activities’ By Iran, January 20. Retrieved from: <http://www.reuters.com/article/us-saudi-nuclear-idUSKCN0UX2HK>
- Sciutto, Jim (2013) Senators propose new Iran sanctions bill; White House opposed, CNN, December 20. Retrieved from: <http://edition.cnn.com/2013/12/19/politics/iran-sanctions-senate/>
- Seher, Jason (2013) Ex-national security adviser: ‘Direct line’ between Iran sanctions and Rouhani’s election, CNN, December 1st. Retrieved from: <http://politicalticker.blogs.cnn.com/2013/12/01/ex-national-security-adviser-direct-line-between-iran-sanctions-and-rouhanis-election/>
- Stephens, Bret (2016) Truth Catches the Iran Deal, **The Wall Street Journal**, July 11. Retrieved from: <http://www.wsj.com/articles/truth-catches-the-iran-deal-1468278677>
- Snyder, Jack (2000) **From Voting to Violence: Democratization and Nationalist Conflict**, New York: W. W. Norton.
- Snyder, Jack and Edward D. Mansfield (2007) **Electing to Fight: Why Emerging Democracies Go to War**, Cambridge, MA: MIT Press.
- Pape, Robert A (1998) “Why Economic Sanctions Still Do Not Work”, **International Security**, Vol. 23, No. 1, pp. 66-77.
- Mousavian, Seyed Hossein (2013) **Twelve Consequences of Sanctions on Iran**, Al-Monitor, May
- Mousavian, Seyed Hossein (2013) “Ten consequences of US covert war against Iran”, **Gulf News**, May 11. Retrieved from: <http://gulfnews.com/opinion/thinkers/ten-consequences-of-us-covert-war-against-iran-1.1182058>
- Welna, David (2016) **treasury Secretary Jack Lew defends The ‘Smart Power’ Of Economic Sanctions**, NPR, March 30. Retrieved from: <http://www.npr.org/2016/03/30/472442353/treasury-secretary-jack-lew-defends-the-smart-power-of-economic-sanctions>